

سرشناسه	رجائی، علی، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	کَهکشانِی‌ها: برگزیده اشعار دکتر علی رجائی "امید".
مشخصات نشر	اراک: مهر کتبه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	د، (۱۸۸) ص: مصور.
شابک	۷۵۰۰۰ ریال : 978-964-9939-03-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	PIR۸۰۵۸ ۱۳۹۱ ک ۲۵۷ ج /
رده‌بندی دیویی	۸۶۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۳۸ - ۸۵ م
Radjaie, Ali: Galaxie Allen, Mehre Katibeh Publication. Arak - I. R. Iran, 2013.	

نام کتاب: کَهکشانِی‌ها
 سروده: دکتر علی رجائی (امید)
 طراحی و صفحه آرانی: واحد نشر انتشارات مهر کتبه
 ناشر: انتشارات مهر کتبه
 قطع: وزیری
 تعداد صفحه: ۱۹۲
 چاپ اول: بهار ۱۳۹۲
 شمارگان: ۱۵۰۰
 قیمت: ۷۵۰۰ تومان
 چاپ و صحافی: کتبه - اراک
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۹-۰۳-۲ ISBN: 978-964-9939-03-2

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

فهرست دفتر اول	
۱	ساحل امید
۲	همسایه
۳	خانه بازی
۴	آن سوی دیدار
۵	شیدای فردا
۶	به خاطر همه
۷	دم
۸	نقش
۹	مذاب
۱۰	تصور
۱۱	رامسوز
۱۲	مسافرت
۱۳	قدم - رنجه
۱۴	معلم
۱۵	وساطت
۱۶	بازدید
۱۷	پیوند
۱۸	صبر جمیل
۱۹	ملاقات قدیسان
۲۰	حاجت
۲۱	جلوه گری
۲۲	یکتا
۲۳	رامش
۲۴	بی تو ...
۲۵	بی - خود
۲۶	طلب
۲۷	روح انگیز
۲۸	عشوه
۲۹	فرشته
۳۰	نافله
۳۱	اثر
۳۲	یک دل نه ...
۳۳	آه ماه
۳۴	لحظه ها
۳۵	نگرانی
۳۶	جلوه گاه

۳۷	عقب نشینی
۳۸	ارتباط قلبها
۳۹	حرم
۴۰	بهانه
۴۱	بی قرار
۴۲	واجب الحضور
۴۳	خوش سیما
۴۴	عشقال
۴۵	لطف
۴۶	وجدان
۴۷	میل و اراده
۴۸	تکرار
۴۹	یادداشت
۵۰	نوید
۵۱	گمشده
۵۲	آینه
۵۳	نتیجه
۵۴	حباب
۵۵	ریشه دریا
فهرست دفتر دوم	
۵۶	یاد
۵۷	نظر - بلند
۵۸	فروغ
۵۹	ناخود آگاه
۶۰	بدرقه
۶۱	ابدی
۶۲	تسلیم؟
۶۳	همراه
۶۴	تنبل صفت
۶۵	تیره
۶۶	شرط و پیمان
۶۷	عذاب
۶۸	دو نیم کره
۶۹	پر - وا
۷۰	آرزو
۷۱	قرابت
۷۲	چشمک آزادی

۷۳	کم توجه
۷۴	برخورد
۷۵	همبستگی
۷۶	وطن
فهرست دفتر سوم	
۷۷	زنده
۷۸	تجبر
۷۹	کمر بند
۸۰	کاشکی مبارک
۸۱	صلح
۸۲	ریسمان
۸۳	ماسک
۸۴	کودک
۸۵	خطوط
۸۶	نیمرخ
۸۷	پران
۸۸	شمع
۸۹	فاجر
۹۰	امان
۹۱	دگر بان
۹۲	گل من
۹۳	ثابت
۹۴	دنیادار
۹۵	تنوع مطلق
۹۶	انتشار
۹۷	پایانه
۹۸	طبیعت نشین
۹۹	معدا
۱۰۰	تاج نور
۱۰۱	دنیا دیده
۱۰۲	آشیانه
۱۰۳	اما ...
۱۰۴	گل گیر
۱۰۵	بی ریا
۱۰۶	کاسبک
۱۰۷	سروش

فهرست دفتر پنجم	
۱۴۲	خود آیل ۱
۱۴۳	خود آیل ۲
۱۴۴	رایانده
۱۴۵	پایبند
۱۴۶	مذکر
۱۴۷	هوا
۱۴۸	الهام
۱۴۹	خود آیل ۳
۱۵۰	تابوشکن
۱۵۱	افرنک
۱۵۲	اختیار
۱۵۳	تکامل
۱۵۴	آخرین عنصر
۱۵۵	خود آیل ۴
۱۵۶	گنبد گردان
۱۵۷	جستجو
۱۵۸	خود آیل ۵
۱۵۹	سایه وار
۱۶۰	نرخ
۱۶۱	زیرکانه
۱۶۲	تن
۱۶۳	خود رستی؟!
۱۶۴	خود آیل ۶
۱۶۵	حافظتین
۱۶۶	بایستن
۱۶۷	جد آناجور
۱۶۸	اندیشناک
۱۶۹	ذریه
۱۷۰	کلک پنهانی؟
۱۷۱	فراموج

فهرست دفتر چهارم	
۱۰۸	سماواتی
۱۰۹	چند بعدی
۱۱۰	اطلس
۱۱۱	فرادید
۱۱۲	جرخ و فلک
۱۱۳	بی - سیم
۱۱۴	پاریانه
۱۱۵	یل
۱۱۶	مهاجرت؟
۱۱۷	تا غروب
۱۱۸	سرد
۱۱۹	جنگاه
۱۲۰	سفیر
۱۲۱	نیکوکاری
۱۲۲	دیو - آنه
۱۲۳	آدمیزاده
۱۲۴	شعر
۱۲۵	پویاترین
۱۲۶	نبرد نو
۱۲۷	رکوع
۱۲۸	بی - مرزی
۱۲۹	شناخت
۱۳۰	تکریم
۱۳۱	برگزیده
۱۳۲	انواع
۱۳۳	نیک
۱۳۴	به - روز
۱۳۵	بی کفن
۱۳۶	پرچم
۱۳۷	مگیرنده
۱۳۸	استوره ساز
۱۳۹	فارسی
۱۴۰	کار - و - آن - سرا
۱۴۱	نوین

نکاتی چند در خصوص شعر و سخنی با علاقمندان به شعر

شعر عصاره کلام طولانی است. واژگان شعر چون بلور چند بعدی می‌درخشد و در ذهن دنیایی از معانی را متبلور می‌سازد. هر شعر در زمانهای مختلف ابعاد گوناگون و جدیدی به خود می‌گیرد و به همین دلیل تعاریف متفاوت دارد:

● شعر یعنی: فشرده، عصاره و چکیده احساسات و تفکرات پردازش یافته و بعضاً درهم پیچیده از کلمات و عبارات برای خواننده‌ای با شهباز خیال و یا قلاب سنوآل، برای جوینده معانی و پوینده پاسخ. برای مثال در زبان آلمانی واژه شعر یعنی "Gedicht" با ریشه "dicht" یعنی "تراکم، فشرده، عصاره" در ارتباط است.

● شعر یعنی: گلوله متمرکز احساس و بمب خوشه‌ای اندیشه که هنوز با لیزر نگاه منفجر نشده و با مشعل تفسیر مشتعل نگردیده است.

● شعر یعنی: انقلاب در سکوت با تفاسیر متعدد و شرایط متفاوت.

● شعر یعنی: آرامش بعد از تکاپو و بحران درونی و بیرونی و همزمان تسلط بر این بحران.

● شعر یعنی: حجاب و پوشی برای ناگفتنی‌ها و بیان نشدنی‌ها با گلبرگ واژه‌ها و شاخه‌های ابیات و سطور.

● شعر یعنی: قفس و قالبی غنچه‌گون برای جوش و خروش‌ها و جذر و مد تفکر و احساس، که در هر آب و هوایی و حال و فضایی به گونه‌ای خاص رشد می‌کند، باز می‌شود و جلوه‌گر می‌گردد، گاه زود و فراگیر، گاهی دیر ولی پرتاثر.

● شعر امروزین بشر کمتر در پی تعلیم و تلقین و یا توصیف افراطی و لغظی است و بیشتر در مسیر تفکر، افشاگری و روشنگری نورپردازی می‌کند.

● شعر مدرن جامعه صنعتی دریچه احساس را محدود می‌کند تا دروازه تعقل را بگشاید ولی بعضاً با مخالفت سنت‌گرایان ناموفق می‌گردد، چون بفرنج می‌سازد و چگونگی‌ها را به چراهای روشن-مسیر تبدیل نمی‌کند.

● شعر نو قصد خلاقیت ملموس یا "konkret" را دارد، ولی معمولاً در حد شاعر و زندگی خصوصی او باقی می‌ماند، مگر اطلاعات شخصی پشت صحنه آن هویدا گردند و از دستبرد تفکرات ناشیانه یا "Dilettantismus" محفوظ بماند و عنصر اصلی خویش یعنی زبان را ناخالص نکند.

● شعر فرامردن غالباً متخصص‌پسند است نه عوام‌پسند و هنگام با رشد علمی انسان در دوره‌های متعدد خیزش و جهش داشته و همانگونه که علوم علمی شاخه‌های گوناگون یافته‌اند، شعر نیز بال و پر دوره‌های قبل زندگی‌اش را فرو گذاشته و شکوفانی مجدد یافته است.

مجموعه حاضر گلچینی است با دسته‌بندی‌های متعدد و دفاتر زیر، که هر کدام ترکیبی است از احساسات و حالات گوناگون، تجربه‌های تلخ و شیرین زندگی، انتقادات مختلف اجتماعی و انعکاس جنبه‌های گوناگون عصر حاضر و هم‌آهنگ شدن با انسان فرامردن و آینده‌اندیشان کهکشانی:

۱- عاشقانه‌ها	۲- غریبانه‌ها	۳- تبش‌ها و تویش‌ها	۴- فرامرزی‌ها	۵- سر-نوشته‌ها
---------------	---------------	---------------------	---------------	----------------

سعی فراوان شده است تا برگزیده‌های حاضر با عنوان "مجموعه کهکشانی‌ها" هدیه‌ای شایسته برای علاقمندان پر ذوق و نکته‌سنج شعر همیشه‌بهار فارسی باشد و بتواند در قالبی هماهنگ و هم‌مسیر با شاخه‌های مختلف شعر فارسی جرقه‌های نوینی را نیز ایجاد نماید تا بلکه شعر فارسی مضامین جهان‌شمول خود را پردازشی جدید داده و هم‌تراز با مهمترین پایه‌های ادبی جهان پایدار و مستدام به پیش رود. در خاتمه از محضر اساتید فن و یزرگان ادب و اندیشه و همه صاحب‌نظران صمیمانه انتظار دارم تا این مجموعه را از نوش و نیش انتقاد بی‌نصیب نگذارند که خود تنها دلیل انتشار این اوراق است.

علی رجائی
(امید)

بهار ۱۳۹۲

در تاریخ ۱۳۴۳/۱۰/۱۰ در روستای کوچک ولی دلنشین و باصفای کاروانسرا از توابع بخش مشک‌آباد شهرستان اراک در خانواده‌ای علاقمند به ادبیات فارسی به دنیا آمدم. دومین فرزند خانواده بودم و هنوز پا به دبستان سپاه‌دانش آن زمان نگذاشته بودم که پدر به خاطر تحصیلاتش خانواده را به اراک انتقال داد. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در شهر اراک سپری نمودم. یکی از مهمترین مشغله‌های ذهنی‌ام در این سالها شبهای مشاعره و جلسات رقابت حفظ شعر در خانواده و بین دوستان و خویشاوندان بود. در این سالها بود که اولین نمونه اشعارم به روی کاغذ آمد و امروزه با آن نمونه‌ها فاصله بسیاری گرفته‌ام. تخلص "امید" را نیز با توجه به معنی نام خانوادگی خویش "رجانی" یعنی "امیدواری" در همین سالها انتخاب نمودم.

در سال ۱۳۶۲ در رشته مترجمی زبان آلمانی در دانشگاه تهران شروع به تحصیل کردم و در کنار آن داستانهای کوتاه و شعر می‌نوشتم. داستانهایی که فقط یکی از آنها را در مجله‌ای منتشر ساختم، آن را هم کلی تغییر داده بودند که دیگر با نگارش من رابطه‌ای نداشت.

اواخر سال ۱۳۶۷ برای تحصیل به کشور آلمان اعزام شدم. و این خود فاصله‌ای چندین ساله را با شعر عصر حاضر فارسی برابم ایجاد کرد، البته با شعر حافظ همیشه در ارتباط بودم چون موضوع رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتریام تحقیق در خصوص بررسی ترجمه‌های آلمانی از غزلیات حافظ بود، که به صورت کتابی به چاپ رسید. به همین علت نیز تمامی جنبه‌های مختلف شعر کلاسیک را بررسی و مطالعه نمودم. در آخرین سالهای زندگی‌ام در آلمان شروع به نگارش اشعار آلمانی کردم. کمی بعد با توجه به مشکلات عدیده و علایق شخصی مجدداً به شعر فارسی روی آورده یا کسانده شدم. حاصل و نتیجه نهانی این سالها دیگر نه شعر کلاسیک فارسی بود و نه شعر فرامردن آلمانی. به ندرت اشعار نویسندگان چندین دهه اخیر ایران را مطالعه کرده‌ام. همواره سعی براین داشته‌ام تا راهی نو برای خود ترسیم نمایم و پیوندی بین شعر کهن و شعر نو ایجاد کنم. این تلاش در بسیاری از اشعار "مجموعه کهنشانی‌ها" آشکار است.

پس از اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات آلمانی و از دست دادن فرزند خود در تابستان سال ۱۳۷۷ به کشور مراجعت کرده و در دانشگاه تهران شروع به تدریس نمودم. سالهای قبل و بعد از مراجعت، جریانات مختلف کار، زندگی و برخوردهای گوناگون اجتماعی همانند کوره‌ای سوزان قلب و فکر و روح را درگیر تلاطمات و انقلابات تکان‌دهنده و توانفرسانی ساختند. و در این اوضاع و احوال برای چیره شدن بر طوفانهای بیرونی و درونی باز به شعر روی آوردم، که آثار آن در اشعار موج می‌زنند.

پس از یک سال با بروز بیماری آسم از تهران آلوده به شهر اصفهان نقل مکان کرده و در دانشگاه اصفهان شروع به تدریس نمودم. این سالها با شروع زندگی مجددی همراه شد که حاصل آن اشعار گوناگون بسیاری است، اما همه‌اش در راه به سوی اراک بودم. زندگی در غربت و دوری ده ساله از خانواده و بستگان، علاقه به زادگاه خویش روستای کاروانسرا و دلایل بسیار دیگر باعث شد تا پس از سه سال اصفهان را نیز ترک کرده در شهر اراک ساکن گردم. اکنون چندین سالی است که در دانشگاه اراک به تدریس همت گماشته‌ام و با فروکش کردن امواج مختلف درونی مدتی است موج مجموعه اشعارم نیز فروکش کرده و دفتر آنها را بسته‌ام.

از سرنوشت "سرنوشته‌های" آینده‌ام هنوز آگاهی کامل ندارم، پیشنهادات دوستان و نزدیکان و تصووراتی تازه مرا بر آن داشته‌اند تا برگزیده‌ای از تخیلات، تفکرات نگاشته‌شده و تجربه‌های گذشته را در دسترس جمع عظیم علاقمندان شعر فارسی قرار دهم. شاید با پند و اندرزها و انتقادات خوانندگان بار دیگر نیز جاذبه‌های شعری کشی جدید ایجاد کرده و کوشش شعری اینجانب را بیشتر و مؤثرتر نمایند.